

مسیح و آدم

سرشناسه: بارت، کارل، ۱۸۸۶-۱۹۶۸ م.
عنوان و نام پدیدآور: مسیح و آدم: بشر و بشریت در باب پنجم رساله به رومیان/ کارل بارت: ترجمه محمد صبائی.
مشخصات نشر: تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری: ۹۴ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۷۸-۴۰۷-۰
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: عنوان اصلی: Christ and Adam. Man and humanity in Romans 5, 1956.
یادداشت: واژه‌نامه.
موضوع: عیسی مسیح
موضوع: Jesus Christ
شناسه افزوده: صبائی، محمد، ۱۳۶۶-، مترجم
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ م ۵ ب ۲ / BS۲۴۱۵
رده‌بندی دیویی: ۲۳۲
شماره کتاب‌شناسی ملی: ۵۰۰۱۷۲۴

مسیح و آدم

بشر و بشریت در باب پنجم
رساله به رومیان

کارل بارت

ترجمه محمد صبائی



این کتاب ترجمه‌ای است از:

Christ and Adam

Man and Humanity in Romans 5

Karl Barth

Collier Books, 1962



انتشارات ققنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای زاندارمیری،

شماره ۱۱۱، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

* * *

کارل بارت

مسیح و آدم

بشر و بشریت در باب پنجم رساله به رومیان

ترجمه محمد صبائی

چاپ اول

۱۱۰۰ نسخه

۱۳۹۷

چاپ رسام

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۲۷۸ - ۴۰۷ - ۰

ISBN: 978 - 600 - 278 - 407 - 0

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

۸۰۰۰ تومان

فهرست

۷	مقدمه
۱۹	رساله به رومیان ۵: ۱۲-۲۱
۲۳	مسیح و آدم
۹۳	واژه‌نامه انگلیسی به فارسی

مقدمه

ویلهم پاوک

باب پنجم رساله به رومیان، که بارت در این اثر بدان می‌پردازد، در تاریخ تفکر مسیحی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. بعضی از افکار پولس که در این بخش از قوی‌ترین رساله او مطرح شده، عمدتاً از طریق تأثیر آگوستین بود که سرانجام توانست در الهیات آیین کاتولیک رومی و الهیات جنبش اصلاح دینی پروتستان نقش اساسی ایفا کند. رومیان ۵: ۵ – «محبت خدا به واسطه روح القدس از بیرون به درون قلب‌هایمان فرو ریخته است» – برای الهیات فیض^۱ و آیین‌های مقدس مسبنایی در کتاب مقدس فراهم آورد، خصوصاً در ارتباط با واژه *ekkechutai* که در ترجمه‌های متأخر «از بیرون به درون فرو ریخته است» برگردانده شده، اما در وولگات به *infusa est* («آکنده کرده است») ترجمه شده است.

افزون بر این، رومیان ۵: ۱۲ – «همان‌طور که گناه با یک انسان به جهان

1. grace

وارد شد، و با گناه [هم] ^۱ مرگ آمد، و بدین سان [نیز] مرگ به تمام انسان‌ها تسری یافت، چون همه گناه کردند» - برای آموزه گناه نخستین مبدل به شالوده‌ای شد که از کتاب مقدس برگرفته شده بود. این تعلیم که گناه آدم و کیفر آن (مرگ) به تمام انسان‌ها انتقال یافته با تفسیر همین سخنان [پولس] تبیین شده است، به‌خصوص عطف به این واقعیت که اصطلاح «به دلیل این‌که» (*eph'ho*)، که «زیرا» معنی می‌دهد، در ترجمه وولگات «در او که» (*in quo*) آمده است. از این رو سخنان پولس رسول به این معنا فهمیده شده که، با توجه به این‌که تمام انسان‌ها در آدم گناه کردند، گناه و مرگ از طریق او به جهان وارد گشت. بر پایه این تعلیم، تصور پولسی از دو بشریت، که در رأس یکی آدم و در رأس دیگری مسیح (رومیان ۵: ۱۲-۲۱) جای دارد، بعدتر در زمینه آموزه کفاراه اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد.

بارت در رساله حاضر به این آموزه‌های عقیدتی نمی‌پردازد. توجه او متمرکز است بر رابطه میان مسیح و آدم بدان‌سان که پولس رسول آن را می‌فهمید. بارت با نادیده گرفتن کل سنت الهیاتی و تفسیری‌ای که بر مبنای این باب رساله پولس استوار است، تفسیری کاملاً جدید و بی سابقه از تصور انسان مطرح کرد که حاکی از نگرش پولس رسول به رابطه مسیح و آدم است.

بنابراین، رساله حاضر را باید در پرتو ملاحظات سه‌گانه مطالعه کرد:
 (۱) این رساله یاریگر تفسیر باب مشهور پنجم رساله پولس به رومیان است. (۲) نمونه‌ای از روش تفسیری متمایز بارت به حساب می‌آید. (۳) روشنگر اهمیت مضمونی است که در برترین دستاورد

۱. نوشته‌های داخل قلاب‌ها متعلق به مترجم فارسی است، در غیر این صورت در پانویش مشخص شده است. - م.

نظام‌مند بارت، اصول ایمانی کلیسای مسیحی،^۱ نقش اصلی و مرکزی دارد. اجازه بدهید به طور مختصر به این سه موضوع بپردازیم:

(۱) باب پنجم رساله به رومیان دشواری‌هایی خاص برای تفسیر ایجاد می‌کند که فقط به دلیل استدلال پیچیده مؤلف آن، یعنی پولس رسول، نیست، بلکه پیش از هر چیز به دلیل مقایسه‌ای است میان آدم و مسیح که پولس در احتجاجش راجع به گناهکاری همگانی بشر، هم یهودیان و هم غیریهودیان، مطرح کرده است. او می‌گوید نفرین گناه نه با اعمال بشری شریعت بلکه فقط با آمرزش الهی‌ای بی‌اثر می‌شود که در ایمان به دست می‌آید.

فهم استدلال پولس رسول، که همواره استدلالی ظریف است، در این قطعه، به‌ویژه در بخش دوم باب پنجم، آیه‌های ۱۲-۲۱، فوق‌العاده دشوار است. در این جا آدم به مثابه «پیش‌نمون کسی که خواهد آمد» تصویر شده است. کسی که با او گناه، و در نتیجه مرگ، به جهان وارد شد همچون کسی تلقی شده که نشان از رستگاری‌بخشی دارد که با مرگ و رستخیزش تمام انسان‌ها نجات می‌یابند. بنابراین به نظر می‌رسد که

۱. *Church Dogmatics*: در نظر بود تا این اثر، که نگارشش در سال ۱۹۳۱ آغاز شد، شامل پنج مجلد بشود: جلد اول: آموزه کلمه خدا. جلد دوم: آموزه خدا. جلد سوم: آموزه آفرینش. جلد چهارم: آموزه آشتی. جلد پنجم: آموزه رستگاری. تا به امروز این مجلدات در چندین بخش انتشار یافته است: جلد اول، بخش‌های ۱ و ۲؛ جلد دوم، بخش‌های ۱ و ۲؛ جلد سوم، بخش‌های ۱-۴؛ جلد چهارم، بخش‌های ۱ و ۲؛ سایر بخش‌های جلد چهارم و پنجم در حال آماده‌سازی است. گروهی از متألفان اسکاتلندی در حال حاضر دست به کار ترجمه کلی این اثر هستند. انتشارات Charles Scribner's Sons, New York تاکنون چاپ‌هایی به زبان انگلیسی در سال‌های ۱۹۵۶ و ۱۹۵۷ منتشر کرده است که به ترتیب شامل جلد اول، بخش‌های ۱ و ۲ و جلد چهارم، بخش ۱ می‌شود. آتو وبر در باب جلد اول، بخش ۱ تا جلد سوم، بخش چهارم گزارشی مقدماتی ارائه داده است؛ بنگرید به:

م.ا.م. (۱۹۵۴). *Karl Barth's Church Dogmatics* (Philadelphia: Westminster Press, 1954).

پولس رسول به دو رأس^۱ در بشریت می‌اندیشد: آدم، که با نافرمانی او بسیاری گناهکار شدند، و مسیح، که با فرمانبرداری او بسیاری بخشوده شدند (رومیان ۵: ۱۹). در حقیقت، آدم رأس بشریت گناهکاری دیده شده که محکوم به مرگ است و مسیح رأس بشریت جدیدی که وعده حیات جاودان دارد.

بارت تلویحاً می‌گوید که در سیر تاریخ دین مسیحی بر چنین اندیشه‌هایی تأکید شده است، اندیشه‌هایی که وضع ناگوار انسان را به آدم، انسان نخستین، و امیدشان به آزادی از گناه را به مسیح ارتباط می‌دهند. اما تمام این تأکیدها با منظور و معنایی که در اندیشه پولس بوده تفاوت فاحشی دارند: آدم، در مقام پدر نوع بشر، پدیدآورنده گناه تلقی شده است. تمام بشریت به تبع او، از طریق رابطه جنسی نسل‌ها با همدیگر، به «خیل گرفتار لعنت ابدی»، تعبیری که سخنان آگوستین را به یاد می‌آورد، تبدیل شده است. فرض بر این بوده که انسان بنا بر وراثت، ناگزیر گرفتار «گناه نخستین» شده است؛ چنین تصور شده که «گناه تبار» تمام اعضایش را لکه‌دار کرده است. فقط کسانی که «خود را به دست عیسی مسیح خداوند می‌سپارند» می‌توانند امیدوار باشند که از «لعنت آدم» آزاد شوند. و این‌گونه، این قطعه خاص پولس مبنای یکی از نیرومندترین و تأثیرگذارترین آموزه‌ها در تاریخ دین مسیحی شد: اتحاد تمام بشر در آدم، نخستین گناهکار، که همگی محکومیتشان را در او می‌بینند.

اگرچه بارت به طرز تعجب‌آوری به این آموزه مهم تاریخی اشاره مستقیم نمی‌کند، آشکارا در سرتاسر تفسیرش آن را در نظر دارد. هدف اصلی بارت آن است که این سنت دیرینه را اصلاح کند و برای این

کار خاطر نشان می‌کند که پولس را نمی‌توان به درستی فهمید، مگر این‌که بفهمیم این حواری مسیح را رأس حقیقی تمام بشریت، که شامل آدم هم می‌شود، می‌داند - رأس پیروزمند بشریتی که، با خطای آدم آغاز شد و، محکوم به مرگ شد، زیرا تمام اعضایش مثل آدم گناه کردند و می‌کنند.

(۲) روش تفسیر بارت در این رساله همان فضا و نگاه بسیاری از رساله‌های تفسیری‌اش را دارد، که او رسم داشت آن‌ها را در آثار فراوان خود دربارهٔ اصول ایمانی بگنجانند. او می‌کوشید در اندیشیدن به متن کتاب مقدس به معانی و تأییدات آن نزدیک و وفادار باشد. یکی از هدف‌های او آن بود که روشن و مشخص کند که نویسندگان کتاب مقدس می‌خواستند چه چیزی بگویند. بنابراین به بافت و اسلوب قطعه‌ای که باید شرح می‌داد توجه جدی می‌کرد و تک‌تک واژگان را با حداکثر جدیت برمی‌گزید. او، چون متقاعد شده بود که پیام کتاب مقدس وحدت دارد، با دقت می‌کوشید تا کل کتاب مقدس را به هر یک از اجزایش ربط بدهد. بارت نمی‌خواست کتاب مقدس را از نظر تاریخی تفسیر کند، گو این‌که راجع به کاربرد بینش‌های تاریخی در مورد خاستگاه و هدف اصلی هر یک از آثار کتاب مقدس به صورت جداگانه تردید نمی‌کرد.

بارت در این رساله تقریباً تمام توجه خود را فقط بر همین قطعهٔ پیش‌گفته از رساله به رومیان متمرکز می‌کند. فقط گهگاه به سایر کتاب‌های مقدس نگاهی می‌اندازد (برای مثال، اول کورنتیان ۱۵: ۲۱-۲۲، ۴۵-۴۹، که پولس در این‌جا نیز آدم و مسیح را به هم مرتبط می‌کند). او به دیگر مفسران اشاره نمی‌کند (اگرچه پیداست که به آثار بعضی از آنان توجه دارد). وی از تحقیق در باب منابع اندیشه‌ها، اصطلاحات و شیوه‌های گفتار پولس به کلی خودداری می‌کند. همچنین تعلیم پولس حواری را با

تعالیم معاصران و پیشینیان و پیروانش مقایسه نمی‌کند. در نتیجه، به نظر نمی‌رسد که بارت برای مدرکی که در آثار ربّیانی یهودی^۱ هست اهمیت قایل شود، مدرکی که در آن برای اولین بار داستان هبوط آدم به منظور تبیین واقعیت گناهکاری تمام بشر تفسیر شده است. بارت همچنین هیچ علاقه‌ای به مدرکی ندارد که ظاهراً اثبات می‌کند ایده ارتباط میان گناه و مرگ آدم و مرگ اولادش نخستین بار در آثاری از قبیل حکمت سلیمان^۲ و کتب خنوخ^۳ ارائه شده است.^۴ افزون بر این، او به این مسئله که چگونه تصور پولس از مسیح همچون آدم دوم می‌تواند با تصورات مشابه فیلون، فیلسوف یهودی اسکندرانی، معاصر او مرتبط باشد، یا چگونه این تصور پولس در پرتو تفسیر مسیحیت اولیه از عیسی در مقام پسر انسان فهمیده می‌شود و نیز مسائلی مانند این‌ها، هیچ توجهی نشان نمی‌دهد.^۵

باید بپذیریم که علت بی‌توجهی بارت به چنین مسائلی آن بود که تفسیر رساله به رومیان به روش تاریخی برای او مهم نبود. از نظر او این رساله اولین و مهم‌ترین بخش مجموعه اصیل شمرده^۶ عهد جدید است که، به عقیده او، الهیات مسیحی باید خود را با آن تطبیق بدهد همان‌طور که خود را با کلمه خدا تطبیق می‌دهد.

(۳) بین دیدگاه این رساله تفسیری و یکی از درونمایه‌های اصلی اصول ایمانی کلیسای مسیحی بارت ارتباط نزدیک وجود دارد. این اثر بزرگ را

1. Jewish Rabbinic 2. *Wisdom of Solomon* 3. *Books of Enoch*

4. N. P. Williams, *The Ideas of the Fall and of Original Sin* (2nd ed. New York: Longmans, Green and Co., 1929).

۵. مقایسه کنید با

Elias Andrews, *The Meaning of Christ for Paul* (Nashville and New York: Abingdon Press, 1949), pp. 93 ff.

6. canon

الهیات [مبتنی بر] کلمه خدا^۱ دانسته‌اند، یعنی الهیاتی که به انکشاف^۲ خدا در عیسی مسیح آن‌گونه که کتاب مقدس به آن گواهی می‌دهد می‌پردازد. اصول ایمانی کلیسای مسیحی از نظر روش و درونمایه اصلی با تمام انواع الهیات طبیعی^۳ اعم از آنچه در فلسفه توماسی آیین کاتولیک یا در آیین پروتستانی جدید دیده می‌شود در تقابل قرار دارد. بزرگ‌ترین اثر^۴ بارت از شناخت بشر از خدا آغاز نمی‌کند و کار تبیین معنای انجیل مسیحی در پرتو دین بشر را نیز بر عهده نمی‌گیرد: این اثر اعلام می‌کند که انکشاف نفس خدا در عیسی مسیح و تمام موضوعات مرتبط با آن را که به طور ضمنی مطرح شده‌اند شرح می‌دهد تا انسان و جهان او فهمیده شود. بنابراین، بارت نه رو به بالا، [یعنی] از انسان به سوی خدا، بلکه رو به پایین [و] از خدا، یا به بیان دقیق‌تر از مسیح، به سوی انسان حرکت می‌کند و الهیات خویش را بر پایه‌های عقیدتی مربوط به کلمه خدا، تثلیث و تجسم^۵ بنا می‌کند.

الهیات بارت نظامی فکری است که قصد دارد کاملاً مبتنی بر کتاب مقدس باشد. این الهیات با گذشت زمان هرچه بیشتر به الهیاتی مسیح‌شناختی تبدیل شد: عیسی مسیح انسان کلید فهم آفرینش، آشتی، نجات، و سرشت و سرنوشت انسان است.

بارت هرگز از مسیری که بر این اساس فراروی خود گذاشت منحرف نشد. بدین سبب او در این امر تردید نکرد که شیوه‌های دیرینه اندیشه الهیاتی را ترک گوید تا اصل اساسی خود را از هر جهت اصلاح کند؛ بارت از هر جهت تأکید می‌کرد که عیسی مسیح، پسر خدا، انسان شد، و فقط او «نوری است که در آن نور را می‌بینیم» (مزامیر ۳۶: ۹). او که بنا

1. theology of God's Word 2. revelation

۳. natural theology یا به عبارت دیگر الهیات عقل محور یا عقلانی. - م. ف.

4. magnum opus 5. Incarnation

بر گواهی کتاب مقدس خود را ناگزیر می‌دید تمام آموزه‌ها را بر مسیح‌شناسی استوار سازد، آموزهٔ آفرینش را بر مبنای نجات‌شناسی^۱ (*Church Dogmatics III, 1*) ارائه کرد و با متمرکز کردن معنای آموزهٔ تقدیر الهی بر شخص مسیح (III, 2)، در این آموزه از بن و اساس بازاندهی کرد. به همین طریق، او نظریه‌ای در باب انسان طرح‌ریزی کرد که بر طبق آن ماهیت انسان باید در پرتو ماهیت مسیح فهمیده شود. آدم و تمام اولادش، به عبارت دقیق‌تر، کل تاریخ بشر، آغاز و پایانش، فرودها و فرازهایش، گناه و رستگاری‌اش باید از منظر عیسی مسیح دیده شود که در او خدا انسان شد؛ به عبارت دقیق‌تر، که در او خدا خود را به طریزی انکارناپذیر و تغییرناپذیر برای بشر آشکار کرد.

باید واقف باشیم که این نگرش مسیح‌شناختی به انسان، از تمام آموزه‌های عادی فراگیر در باب انسان، از جمله «انسان‌شناسی‌های» الهیاتی سنتی، از بن و اساس جداست.

به عقیدهٔ بارت، بشر و بشریت را نباید با معیار آدم، یعنی در پرتو برداشت‌های زیست‌شناختی یا تاریخی یا فلسفی از ماهیت بشر تفسیر کرد. بلکه تنها پیش شرط لازم برای فهم ماهیت بشر، واقعیت انکشاف‌نفس خدا در عیسای انسان است. ما جسارت نمی‌کنیم که خود عیسی را «انسان کامل» یا «آرمانی» و به معنای دقیق کلمه یکی از فرزندان آدم بدانیم، نیز جسارت نمی‌کنیم که او را رأس بشریت جدیدی بدانیم که از پس نژادی که با آدم آغاز شد می‌آید یا جایگزین آن می‌شود. او که «کلمهٔ مکشوف خداست، منبع شناخت ما از ماهیت بشری مخلوق خداست» (III, 2, p. 47).

با این همه، نکتهٔ مهم‌تر آن است که آموزهٔ بارت در باب انسان همچنین

متضمن تفسیر دوبارهٔ انسان‌شناسی الهیاتی سنتی است. او محکومیت بشر به دلیل گناه (یعنی محکومیت آدم، که نفر اول نژاد بشر است، و محکومیت تمام افراد بشر) را حقیقی می‌داند و آن را قبول دارد. بدبختی و بیچارگی این وضعیت را نباید کوچک جلوه داد. اما چون مرتبه‌ای از بشریت وجود دارد که از مرتبهٔ آدم عالی‌تر است، و در انتخاب الهی بشر در مسیح آشکارگشت، سنگینی بارگناه، جرم و مرگ نه می‌تواند نخستین یا مهم‌ترین کلام ما دربارهٔ سرشت و سرنوشت بشر باشد و نه کلیدی برای فهم آن‌ها. به دلیل این‌که در مسیح خدا انسان شد و از این رو که خدا در مسیح بشر را انتخاب کرد، حیات و ماهیت بشر باید بر بنیان سنتی ناپذیری که بر آن قرار دارند نگریسته شوند. سرنوشت بشر بر وعدهٔ الهی استوار شده است و هیچ‌گونه بی‌اعتنایی بشر به اهدافی که جهان به خاطر آن‌ها آفریده شده نمی‌تواند آن را از بین ببرد.

خوانندهٔ این رساله باید این تعالیم بارت را در نظر داشته باشد. او طرح و بررسی مفصل این تعالیم را در بخش دوم از جلد سوم اصول ایمانی کلیسای مسیحی بخش دو خواهد یافت، مجلدی که کل ۸۰۰ صفحهٔ آن یک فصل است، فصلی با عنوان «مخلوقات».

بارت در بخش اول از جلد چهارم، که به تازگی ترجمه‌ای از آن منتشر شده، دوباره توجه خویش را به موضوع انسان‌شناسی معطوف کرد. او بخشی از فصلی با عنوان «عیسی مسیح، خداوندی همچون بنده» را به بحث دربارهٔ «غرور و هیبوط بشر» اختصاص داد. در آن‌جا از تعالیم باب پنجم رساله به رومیان استفاده ویژه کرده است. آنچه در آن‌جا می‌گوید به تفسیری که در این رسالهٔ مختصر ارائه می‌دهد شباهت نزدیک دارد. نقل خلاصه‌ای از بیان او شاید سودمند باشد. او چنین نوشته است:

وقتی (در رومیان ۵: ۱۲) از واژهٔ «همه» استفاده شده، بسیار بجاست که